

استفاده از کامپیوتر در روان شناسی، ویکتور شواریتس، بازتاب، سال ۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۰،

ص ۱۱۳-۱۱۵.

مقابل دوام و ثبات و بدینجهت گوینده از شنیدن دیگران و یا اطلاع آن‌ها از مقاصد وی مأموم و مصون است.

« از جمله اموری که بعد از صوت نه در حد و مرتبه صوت، صالح از برای اعلام دیگران است «اشاره» است. ولی صوت در اعلام دیگران و دلالت بر مقصود قوی‌تر و کامل‌تر از اشاره است. زیرا اشاره انسان را به چیزی که منظور اوست ارشاد و هدایت نمی‌کند مگر بدان‌سو که در چشم‌انداز اوست. آن‌هم نه در هر جهت و ناحیه‌ای بلکه در جهت خاص و ناحیه مخصوصی که ناچار باید انسان حقیقه چشم را بدان‌سو چندین بار حرکت دهد، تا بدان ناحیه وجهی که منظور اوست اشاره کند. پس فایده اشاره کمتر و لوازم آن بیشتر است برخلاف صوت که احتیاج به آن‌گونه لوازم ندارد و برای اعلام آزمائی‌الضمیر بهتر و قاطع‌ترین وسیله است و لذا در نظام اجتماع بدین‌گونه قرار گرفته که انسان مقاصد خویش را به وسیله الفاظ و عبارات به دیگران تفهیم کند و بدینجهت طبیعت نفس را بر آن داشت که از اصوات حروف و کلمات و تراکیبی تألیف کند که بدین وسیله دیگران را از مافی‌الضمیر خود آگاه سازد.

تکلم به انسان اختصاص دارد

« حیوانات چون غذای آن‌ها غالباً طبیعی و یا قسمتی از آن به دست طبیعت ساخته شده و لباس و پوشش مورد نیاز آن‌ها با خود آن‌ها آفریده شده است مانند جلد و پشم روی جلد و همچنین مسکن آن‌ها مساکن طبیعی است مانند سوراخ‌ها و یا حفره و غار و امثال آن، لذا نیازی به تکلم کردن ندارند و مع‌الذالك غالب حیوانات دارای اصوات گوناگونی هستند مناسب با تخیلات و ادراکات و رویه خاصی که در بعضی از آن‌ها وجود دارد که بدین وسیله انسان و یا هر حیوانی را از مقصود و مافی‌الضمیر خود آگاه می‌سازند و لکن دلالت این اصوات دلالت اجمالی است که همین دلالت اجمالی برای تفهیم اغراض آن‌ها که عبارت است از جلب ملامت و دفع مکروهات کافی است ولی دلالت اصوات انسانی دلالت تفصیلی است.

« ضمناً چون اموری که انسان در حیات مادی و معنوی خود بدان‌ها سروکار دارد و ناچار باید در انجام و یا اعلام اغراض و مقاصد خود از آن‌ها تعبیر و به آن‌ها اشاره کند اموری است غیرمتناهی و از طرفی ممکن نیست که طبیعت در ازاء این امور غیرمتناهی اصوات غیرمتناهی قرار دهد. لذا برای رفع این محذور و ضرورت‌های دیگری نیازمند به این است که الفاظ و حروف و کلماتی که دلالت بر اغراض او دارند و در عرف عام و یا خاص افراد بشر مصطلحند وضع کند.

(از ملاصدرا، علم النفس یا روان‌شناسی صحرا المتالمین، ترجمه و تفسیر جواد مصلح، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۸۶-۷).

«استفاده از کامپیوتر در روان‌شناسی»

ترجمه: محمد باقری

من در آزمایشگاه مرکز مطالعات قلب هستم. در این اتاق کوچک به جز من فقط یک کامپیوتر وجود دارد. پیش رویم صفحه‌ای است که رویش دو شستی قرار دارد، روی یکی از آن‌ها «بله» و روی دیگری «خیر» نوشته شده است. بسا شنیدن هر سؤال باید یکی از این شستی‌ها را فشار دهم.

«آیا میل دارید که به دوران کودکی بازگردید؟»

«خیر».

«آیا گهگاه در اتوبوس غریبه‌ها را در یافتن نشانی موردنظرشان یاری

می‌کنید؟»

«خیر».

«آیا در دوران کودکی هیچ‌گاه به خاطر بدرفتاری به نزد مدیر مدرسه احضار

شده‌اید؟»

این بار آهی کشیدم و جواب مثبت دادم.

«آیا همیشه در اتوبوس صندلی خود را به خانم‌ها تعارف می‌کنید؟»

این سؤال مرا به فکر فرو برد. متأسفانه اعتراف به این امر چندان خوشایند

نبود، همیشه این کار را نمی‌کردم. به هر حال باید کاملاً حقیقت را می‌گفتم زیرا

شرط گفتگوی من با کامپیوتر همین بود، لذا پاسخ دادم: «خیر».

این جلسه حدود ۵۰ دقیقه طول کشید. از من سئوالات متعددی در مورد،

شغل، زندگی شخصی، وضعیت تندرستی و جنبه‌های گوناگون زندگی پرسیده

شد. وقتی گفتگوی من با کامپیوتر به پایان رسید نفس راحتی کشیدم و احساس

سبکی کردم؛ معلوم شد که این کامپیوتر فوق‌العاده دقیق و باریکبین است. طی

این گفتگو ۳۷۷ سؤال از من پرسیده بود.

★

سپس به اتاق بعدی رفتم. در آنجا پروفسور وادیم زایت سف دکتور در طب

و رئیس برنامه پژوهش کنار صفحه کنترل ایستاده بود.

«خوب، حالا به بررسی نتایج گفتگوی شما می‌پردازیم.»

دستیار دکتر زایت سف اعدادی را که روی صفحه کامپیوتر ظاهر شده بود در جدولی وارد کرد و نموداری شبیه آنچه که توسط دستگاه خودکار قلب‌نگار (کاردیوگراف) رسم می‌شود، کشید. این کارها در مجموع پنج دقیقه طول کشید.

در واقع انتظار نداشتیم که دکتر زایت سف که فقط یک ساعت پیش ملاقات کوتاهی با او داشتیم، بتواند به این تفصیل و مهم‌تر از آن، با این دقت فوق‌العاده مطالبی در مورد خودم به‌من بگوید و حتی توصیه‌های خوبی به‌من بنماید.

بدین ترتیب فهمیدم که به هیجان بیش از حد تمایل دارم، به آسانی دست‌خوش فشارهای روانی می‌شوم، زودبه‌زود به‌خاطر مسایل جزئی عصبانی می‌شوم و همیشه قادر به تنظیم برنامه اوقات فراغتم نیستم. همه این‌ها می‌تواند عوارض قلبی زبان‌بار در پی داشته باشد، لذا دکتر زایت سف توصیه کرد که بیشتر پیاده‌روی کنم، از خوردن غذاهای پرادویه و نمک پرهیز کنم، در خارج از ساعات کار به‌کار نپردازم (امری که غالباً برای یک روزنامه‌نگار پیش می‌آید) و برای خودم نوعی سرگرمی، مثلاً جمع‌آوری تمبر، ترتیب دهم.

پروفسور چنین ادامه داد: «در واقع تنها کاری که من می‌کنم این است که زبان کامپیوتر را به زبان آدمی ترجمه می‌کنم. وضعیت روانی شما توسط سیستمی که طراحی آن سه‌سال طول کشیده است ارزیابی می‌شود. این سیستم براساس یک رشته سؤال پایه‌ریزی شده و در مجموع تصویر درستی از شخصیت فرد ارائه می‌دهد. اطلاعات به‌دست آمده از سؤال‌ها به‌یک دستگاه طبقه‌بندی داده می‌شود و در آن‌جا ذخیره و دسته‌بندی می‌گردد. سپس، نتایج حاصله در جدول خاصی وارد می‌شود و با مطالعه این جدول پزشک نتیجه‌گیری دقیق و مشروحی از وضع روانی فرد ارائه می‌دهد.»

وجود چنین دستگاه خودکاری در مرکز مطالعات قلب چندان تصادفی نبود. این دستگاه برای بیمارانی که دچار ضعف عضلات قلب و سایر بیماری‌های قلبی هستند بسیار ضروری است.

دکتر وایت سف توضیح داد: «ما همه بیمارانی را که به‌این مرکز مراجعه می‌کنند با این دستگاه آزمایش می‌کنیم. تشخیص روانی برای ما اهمیت زیادی دارد. این موضوع مسلم است که ضعف عضلات قلب می‌تواند از عواطف شدید و فشارهای روحی مداوم ناشی شود. در بسیاری از موارد بیماری مذکور با اضطراب و عدم تعادل همراه بوده است. این دستگاه خودکار امکان درک صحیح وضع بیماری را که حالش به‌مرحله وخامت رسیده، فراهم می‌سازد و توصیه‌هایی دقیقی برای او ارائه می‌کند. به‌علاوه، این دستگاه اطلاعات حاصله از پاسخ‌ها را به‌سرعت و تقریباً بدون اشتباه تجزیه و تحلیل می‌کند.»

«استفاده از ماشین در قلمرو پیچیده و حساسی چون مطالعه وضعیت روانی انسان، مزیت انکار ناپذیر دیگری نیز دارد. بارها اتفاق می‌افتد که شخص خود از وجود عاملی که می‌تواند سریعاً منجر به اختلال شود، بی‌خبر است. گرفتاری‌های شغلی، نامهارنگی در زندگی خانوادگی و عوامل متعدد دیگر بر تندرستی روانی افراد تأثیر می‌گذارد. با این حال اغلب به‌این موارد توجه چندانی نمی‌شود و آن‌ها را در ردیف امور روزمره به‌حساب می‌آورند. در واقع چه‌کسی بعد از هر پریشانی روحی به دکتر مراجعه می‌کند؟ بعلاوه، حتی در یک گفت‌وگوی خصوصی، چندان آسان نیست که انسان از آنچه در درونش می‌گذرد با یک بیگانه سخن بگوید. این دستگاه خودکار، کاری بیش از پزشک انجام می‌دهد زیرا در محیطی کاملاً راحت با بیمار مصاحبه می‌کند. دستگاه مذکور می‌تواند به‌پزشک کمک کند تا وضعیت روانی بیمار را به‌آسانی دریابد و توصیه‌های لازم را به او بنماید. بدین ترتیب امکانات گسترده‌ای برای این دستگاه خودکار پیش‌بینی می‌شود. گذشته از هرچیز، برای هر فرد، مفید و حتی شاید لازم است که اطلاعاتی در مورد وضعیت روانی خود به‌دست آورد.»

محبت

وز محبت دردها صافی شود	از محبت دردها صافی شود
وز محبت سرکه هامل می‌شود	از محبت خارها گل می‌شود
بسی‌محبت روضه گلخن می‌شود	از محبت سجن گلشن می‌شود
وز محبت دیو جوری می‌شود	از محبت نثار نوری می‌شود
وز محبت غول هادی می‌شود	از محبت حزن شادی می‌شود
وز محبت قهر رحمت می‌شود	از محبت سقم صحت می‌شود

مولوی